

**نقش حضرت آیه‌الله مرعشی
در پیوند رشته‌های گسسته فرهنگی**

**به مناسبت خاطره هفتمین
سالگرد رحلت آن بزرگوار**

نوشته: سید محمد اصفیایی

حلول ماه صفر ۱۴۱۸ خاطره فقدان شخصیتی را تداعی می‌کند که یک قرن، قلبش برای معارف و آثار اهل بیت علیهم‌السلام، تپید تا اینکه با تجلی جمال مولی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آرام گشت و ذکرش ابدی و آثارش جاودانه شد.

او شصت و اندی سال، مهمان دارالکرامت فاطمه معصومه علیها‌السلام بود، مهمانی که شصت سال و اندی، پگاهان قبل از سپیده بامداد، در هرگونه شرائط سرما و برف و باران، در پشت درهای حرم، انتظار می‌کشید، او خوب می‌دانست که چه زمانی درهای حرم باز می‌شود ولی آن واله مشتاق، عنان قرار از کف داده و انتظار را در آستانه آن بارگاه، ترجیح می‌داد، او می‌دانست که در آن کعبه آمال، کسی با دست تهی بر نمی‌گردد و اگر کسی مأیوس بخواهد برگردد، او را باز می‌خوانند و عطایش می‌بخشند و به دلیل سزای که او با خود داشت، صبحی، در این شصت و اندی سال طلوع نکرد، مگر اینکه این بزرگوار در کنار میزبان کریمه، اشک شوق و خشیت بر محاسنش جاری بود که «انما یخشی الله من عباده العلماء». و این شخص نبود، مگر محقق مدقق، علامه نسابه، متبع بارع، محدث ماهر و فقیه جامع، آیه‌الله

۱۴- مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی در اتحاد شوروی سابق، از انس باقی خالداف. این مقاله در کتاب: اهمیت المخطوطات الاسلامیة به مناسبت اولین کنگره مؤسسه اسلامی الفرقان در سال ۱۹۹۲م در ص ۸۴ تا ص ۸۹ در لندن چاپ شده است.

۱۵- کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا، از: ایرج افشار، چاپ دانشگاه تهران شماره ۴۸۵ سال ۱۳۳۷ش - ۱۹۵۸م.

۱۶- دلیل فهرس المخطوطات فی المجمع الملکی لبحوث الحضارة الاسلامیة، چاپ امان اردن، مؤسسه آل‌البیت (ع) سال ۱۹۸۶م. در این فهرست از نسخه‌های خطی بخارا و تاشکند مطالبی آمده است.

۱۷- فهرس المخطوطات العربیة فی العالم، از: کورکیس عواد ۲ جلد، چاپ: معهد المخطوطات العربیة، کویت، سال ۱۹۸۴م.

۱۸- راهنمای کتابهای فارسی مربوط به تاریخ ازبکستان و آسیای مرکزی از: ا.ا. سیمینوف، چاپ تاشکند سال ۱۹۲۶م.

* * * *

* * *

* *

*

MATERIALOV NA YAZYKAKH
NARODOV SOVETSKOGO I
ZARUBEZHNOGO VOSTOKA V
SSSR

از: ف.ف. پولوسین V.V. POLOSIN
منتشر شده در

MATERIALY VSESOYUZNOGO
RABOCHEGO SOVESHCHANIYA PO
PROBLEMAM VOSTOCHNOI
ARKHOGRAFI, LENINGRAD... 1988
G. (ARCHAEOGRAPHIA ORIENTALIS.)

چاپ مسکو سال ۱۹۹۰م.
در این مجموعه تعدادی از نسخه‌های
خطی ازبکستان در ص ۲۰۰ تا ۲۰۲
معرفی شده است.

۱۳-COLLECTIONS OF ISLAMIC
MANUSCRIPTS IN THE FORMER
SOVIET UNION AND THEIR
CATALOGUING

مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی در
اتحاد شوروی سابق.

از: انس خالدوف، به عنوان:

THE SIGNIFICANCE OF ISLAMIC
MANUSCRIPTS' PROCEEDINGS OF
THE INAUGURAL CONFERENCE OF
AL-FURQAN ISLAMIC HERITAGE
FOUNDATION (30TH NOVEMBER
-1ST DECEMBER 1991)

این مجموعه به مناسبت اولین کنگره
مؤسسه اسلامی الفرقان در لندن در سال
۱۹۹۲م چاپ شده است، ص ۳۲ تا ص
۳۵ و در خصوص نسخه‌های خطی
ازبکستان مطالبی دارد.

الباهره والحجة الطاهره آقا سید شهاب‌الدین ابن سید محمود مرعشی نجفی رحمته‌الله.

او ۲۸ ساله وارد قم شد در حالی که به درجه اجتهاد رسیده بود و قصدش زیارت بود که می‌خواست که دوباره به حوزه درسی خود یعنی نجف اشرف بازگردد و نقطه عجیب و جالب توجه این است که نظر شیخ و مرشد آن عصر، یعنی مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم رضوان‌الله علیه، بر این جوان افتاده، و آن صاحب نفس زکیه و سرخفیه، به این جوان ۲۸ ساله توصیه نمود تا رحل اقامت را در قم بیفکند، و این وصیت، جوان را چون عهدی معهود، به سمع اجابت افتاد و او در مدت شصت و اندی سال از قم خارج نشد مگر چند روزی برای معالجه و شاید هم یکبار برای عیادت امام خمینی رضوان‌الله علیهما. و حتی در ایام بمباران دشمن، زمانی قم را شدید از جاهای دیگر می‌کوبید، نزدیکان ایشان از روی شفقت، جای امنی را پیشنهاد کردند و نپذیرفت و هرچه اصرار و توجیه کردند ایشان تبسم کرد و بعد گریست... و چه پر معنا و پراز...

او غریبی بود در میان آشنایان، ولی مؤانسی بود که هیچ وحشتی به انس او، راه نیافت، او در غربت خود چنان آرام بود که سخن دشمن، در او پژواکی نداشت، اما در آن ۱۵ سالی که حوزه قم، از روح خدا، محروم بود، حُساد، با او چنان کردند که گاهی قلمش به کلمه‌ای، به اشارتی، بعنوان شکوی الغریب، بر او عصیان می‌نمود، ولی او چون کوهی

استوار بود و بردبار، تا آنجا که دشمن در برابر حلم او بزائو درآمد و کلمه استغفار در محضر او بر زبان جاری نمود (و آشنایان در حوزه، مفهوم این سخن را نیک می‌دانند) و اندکی بعد وفات یافت. و بالاخره کثرت فضائل و رفعت شأن و وسعت علم و سمو مکانی او از سوئی و ناچیزی مبلغ این حقیر از دانش، از سوی دیگر مانع آنست که سخنی درباره شخص او بگویم، ولی بخاطر حصّی که آن بزرگوار بر ذمه عموم مردم و بخصوص بر ذمه این حقیر دارد، سخنی چند، در یکی از ابعاد فنی کار عظیم ایشان می‌گویم و این نه به این معناست که شایستگی آن را دارم، بلکه به دلیل قحط الرجال، در این نمط از رشته‌ها، و اینکه رخصت فرموده‌اند (رب حامل فقه الی من هو افقه منه) و توفیق از خداوند است. اگر کسی بگوید؛ حضرت آیه‌الله مرعشی، کتابخانه بزرگی را احداث کرده، تعبیری نارسا کرده است. زیرا کسان زیادی کتابخانه درست کرده‌اند و ای بسا تعداد و حجم کتاب کتابخانه‌های آنها، افزون بر کتابخانه آیه‌الله مرعشی باشد در حالی که هدف در کتابخانه حضرت آیه‌الله، کیفیت است نه کمیت. و به عقیده من، تعبیر صحیح درباره کتابخانه آن بزرگوار این است که بگوییم: کتابخانه ایشان برای حفظ استناد ما به ثقلین که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بنا به نقل فریقین، ما را بر تمسک به آن امر فرموده است، ایجاد شده و برای حصول تصور صحیح از این موضوع، لازم است اشاره‌ای به گذشته داشته باشیم.

اکثر مردم باسواد اطلاع دارند که در قرن اول هجری کتابت حدیث از جانب خلافت ممنوع بوده ولی شیعیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، چون می‌دیدند که به حفظ احادیث مأمور هستند، و از سوی دیگر عقلاً و نقلاً دریافته بودند که حفظ حدیث نمی‌شود مگر نوشتن؛ آنها احادیث را می‌نوشتند و همین دعای عظیم‌الشان کمیل که نزد اهل بیت به دعای خضر علیه‌السلام معروف است، املا می‌کردند. حضرت است به کمیل، و کمیل به دستور حضرت آن را کلمه به کلمه از زبان حضرت نوشته است. و یا اینکه بعضی مطالب، نوشته به دست اصحاب رسیده است، مثلاً دعای صباح معروف، بنابه نقل، به خط آن حضرت به دست آمده است (گویا قسمت آخر دعا الحاقی باشد). و همچنان صحیفه سجادیه به خط امام باقر علیه‌السلام بوده و در سند همان صحیفه می‌خوانیم که نسخه زید بن علی علیه‌السلام بر نسخه امام عرضه شده و هیچگونه اختلافی پیدا نشده است، و همینطور آثار شیعه با ضبط و دقت، حفظ شده تا اینکه در دوره فترت انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس، فرصتی بوده که شیعه با استفاده از امام صادق علیه‌السلام کتب زیادی پرداختند که به اصول اربعه‌امه معروف است. و همه این آثار، و آثار بعدی، و همچنان، نسخه‌های استنساخی، بر ثقات روات و گاهی به خود ائمه علیهم‌السلام عرضه و تصحیح شده، تا اینکه در اواخر قرن سوم (پس از رحلت امام عسکری علیه‌السلام و آغاز غیبت صغری) و قرن چهارم، اعیان ثقات، از آثار

موجوده، کتب اربعه شیعه را تصنیف کردند و هم‌چنین کتب دیگری را در کنار کتب اربعه، در موضوعات مختلف از قبیل رجال، حدیث، تفسیر، تاریخ و سیره و کلام تصنیف کردند.

بعد از سنه ۳۲۹ آغاز غیبت کبری، که عملاً دست مردم از دامن اهل بیت علیهم‌السلام کوتاه بود، کتب یاد شده، محور تعلیم و تعلم و هم‌چنین نقل و استنساخ گردید و علما و مراجع فتوی و حدیث در مورد تعلم و استنساخ، کتابها را کلمه به کلمه و نقطه به نقطه بر شاگردان خوانده و توضیح می‌دادند تا آنکه از فهم شاگرد لفظاً و معنی، مطمئن شده، سپس نسخه‌ها گرد را به یک نسخه تصحیح شده عرضه و مطابقت کرده، آنگاه شهاداتی بر صحت نسخه نوشته و امضا می‌کردند و اجازه‌ای هم به شاگرد می‌دادند. بنابراین، هر کسی برای نقل روایت، لازم بود که دو شرط اساسی را داشته باشد:

۱- صلاحیت روایت که لازم بوده از طرف استادی که او نیز از استاد خود مجاز بوده و هم‌چنین تا برسد به معصوم علیه‌السلام، صلاحیت او را کتباً تأیید کرده باشد.

۲- صحت و سلامت کتاب او از غلط و تحریف و تصحیف، که این نیز باید کتباً به صحت استاد رسیده باشد، به این معنی که مطابقت نسخه، با نسخه اصل تأیید شده باشد.

بر اساس یاد شده، کسی به مقام فتوی و حدیث نمی‌رسید، مگر اینکه اصول معتمده را نزد استاد‌های حائز مقام اجازه، از روی نسخ معتمده الیها، خوانده باشد و از نظر فهم و دقت و عمل و تقوی، کتباً

مورد تأیید و اجازه قرار گرفته باشد.

این شیوه پیوسته ادامه داشته و با گذشت ۱۲ قرن از تصنیف کتب و اصول معتمده، نسخ موجوده معاصر را، با نسخ اصلی فرقی حاصل نشده مگر در پاره‌ای از کلمات متشابهه که آنهم با مقابله نسخ مصححه، رفع می‌شود، و این نتیجه عالی حاصل نشده مگر به خاطر دقت نظر و رعایت امانت توأم با تقوی و دانش، یعنی همان تعهد و تخصص توأمان، که این روزها مورد بحث است.

روش یاد شده بعد از ظهور دولت صفویه به بعد، بدلیل افزایش و شیوع نسخ استنساخی و اشتها انتساب کتب به مؤلفین خود، و کم شدن خطر تحریف و التباس، اندکی کم‌رونق شد تا اینکه در اواخر قرن ۱۳ هجری، چاپ در ایران رایج شده و نخست کتب دینی از روی بهترین و صحیح‌ترین نسخ خطی، زیر نظر علمای وقت، به چاپ رسید.

در زمان چاپ کتب مزبور، علما اغلب از مصححین کتب اطلاع داشتند ولی با گذشت زمان، کم‌کم فراموش می‌شد، تا اینکه به زمان حاضر رسیدیم و اکنون کتابی مورد استناد و باصطلاح قابل ارجاع (رفرنس) است که مصحح فاضل و خوشنامی، با استفاده از نسخ قابل اعتماد خطی، با دید انتقادی، به طبع رسانده باشد. و نقطه نظر ما در اینجاست که نسخ قابل اعتماد خطی که تاکنون استفاده شده به چه صورت به ما رسیده و از آن مهم‌تر، اینکه بعد از این و صدها سال و بلکه هزاران سال و تا زمانی که نزد حضرت حق جل و علا، مقضی هست که

بار دیگر حجت خود (صلی‌الله‌علیه) را بر مردم ظاهر کند، تکلیف مردم با نسخ مغلوطنه و سقیمه، چیست؟ آیا صرفاً به اینکه روی جلد کتابی نوشته شده (مثلاً) «هذا کتاب الکافی» می‌شود عندالله به آن استناد کرد؟ آیا اگر زمانی بگذرد، نه نسخه خطی و نه خط عالم باشد، و دشمنان اسلام عموماً و دشمنان شیعه مولی علیه‌السلام خصوصاً، زمینه را مستعد دیده و هر روز اقدام به دس و تحریف کنند، تکلیف چیست؟ و بر چه اساسی می‌توان (عندالله) گفت: قال الصادق...؟

در اینجا برای روشن شدن بعضی از مقصود، جمله معترضه را به عنوان مثال می‌آورم. نسخه دیوان حافظ که می‌توان گفت مقبول‌ترین شعر در نزد عامه مردم و خصوصاً طبقه ادبا و عرفا است، در مقام انتقاد فنی و مقابله نسخ، تقریباً یک سوم نسخ معمولی ساقط شده و صدها تغییر و نسخه بدل در بقیه‌ی دو ثلث اعمال می‌شود، در حالیکه از زمان حافظ تاکنون بیش از ۶ قرن نگذشته، ولی آن کار مکتبی که علمای ما از روی تعهد و تخصص، روی کتب فرقه ناجیه کرده‌اند، روی او نشده و تو حدیث مفصل را خود بخوان از این مجمل.

اینک بر اساس مطالب یاد شده و در جواب سؤال مطرح شده، مجدداً، و با تعبیر دیگر عرض می‌کنم،

کتابخانه مرحوم حضرت آیه‌الله مرعشی، حلقه اتصالی است بین رشته‌های گسسته گذشتگان و آیندگان و سند معتبری است، بین ثقلین واجب التمسک و بین عامه مکلفین.

تعریف اجمالی از وضعیت

کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی

این کتابخانه که آمار مخطوطات آن قریب به مرز ۳۰۰۰۰ است، بیش از ۳۰ سال قدمت ندارد و تنها در آمار خطی با کتابخانه‌های هزار ساله، برابری و بلکه فزونی می‌کند و اما در کیفیت، غالب کتب خطی تک‌تک و دانه دانه با لحاظ اصولی که ان‌شاءالله ذیلاً توضیح خواهیم داد، انتخاب و خریداری شده و همین نکته است که این کتابخانه را از دیگر کتابخانه‌ها جدا کرده و آن را علیرغم حدیث‌العهد بودنش این چنین شهره آفاق نموده است.

این کتابخانه با نمونه‌هایی از اوراق قرآن کریم از قرن اول و دوم و سوم گرفته تا خط اوآخر ابن‌بواب در قرن سوم و خط مبارک شیخ‌الطائفة المحققة ابو جعفر محمد ابن حسن طوسی مؤسس حوزه علمیه نجف در ۴۵۵ ه. ق تا خطوط محقق اول و علامه حلی و شهیدین و همه علمای بارز، قرن به قرن تا خطوط علمای معاصرین، مزین گشته، که شرح و تفصیل همه اینها ان‌شاءالله در متجاوز از ۶۰ مجلد فهرست بیان خواهد شد.

در مورد آثار چاپی، علاوه بر کتب مورد نیاز فریقین و بلکه کلیه فرق اسلامی و غیر اسلامی، آثار بسیار نادری از کتابهای چاپی قدیم جهان از قرن ۱۶ میلادی به بعد، و همچنین مجموعه بسیار غنی از مطبوعات ایران، قبل از مشروطه تا عصر حاضر، اعم از روزنامه و مجله و همچنین کتب فرنگی سفرنامه و ایران‌شناسی و غیره موجود است.

امام خمینی و کتابخانه

آیه‌الله مرعشی

وسعت دید و دقت نظر امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، در امور کشور و بخصوص در امور فرهنگی به حدی بود که انبوه مشکلات جنگ تحمیلی و هزاران مشکل دیگر که آن روزگربانگیر مملکت بود، ایشان را از توجه و اهتمام، نسبت به کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی رحمته‌الله مانع نشد تا اینکه ایشان طی نامه‌ای به دستخط مبارک و زیبای خود، خطاب به جناب آقای مهندس موسوی، نخست‌وزیر وقت، ضمن اشاره به اهمیت کتابخانه مزبور و با کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیر خواندن آن کتابخانه، دولت را موظف به تأمین نیاز و احتیاجات آن کتابخانه نمود. امام، در نامه خود بر اساس دقت و نکته‌سنجی خاصی که در خور شخصیت بی‌نظیر آن یگانه زمان بود، به لحاظ اینکه کتابخانه از خط مشی فعلی خود خارج نشود، خاطر نشان فرمود که هر نوع کمک دولت باید تحت نظر حضرت آیه‌الله مرعشی و یا هر کسی که ایشان تعیین می‌فرماید، باشد. امام در این نامه ضمن ستایش از حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی متولی کتابخانه ایشان را برای همکاری و هماهنگی در امر یاد شده به دولت معرفی کرده است.

نکاتی از اهتمام آیه‌الله

مرعشی به امر کتابخانه

مرحوم حضرت آیه‌الله مرعشی به دلیل حضور بیشتر در حوزه‌های درسی زمان

خود و استعداد ذاتی و حافظه سرشار و کثرت مطالعه، بعد از امام خمینی، اعلم عصر خود بود ولی به دلیل کفایت در امر ترویج و احکام و سایر مهمات حوزه، از سوی دیگران، ایشان به واجب احیای آثار ثقلین که در گرو کفایت ایشان بود، پرداخته و داعیه‌ای جز حفظ وحدت نداشت. بلکه ترجیح می‌داد مبانی فتوی را پس از گذشت ۱۲ قرن برای آیندگان بازسازی کند.

ایشان اظهار می‌فرمودند؛ که اجانب از دیر زمانی اهتمام به خرید کتب شیعه و ضبط و بلکه محو آن دارند، و برای اثبات این نظریه می‌فرمودند؛ ما نسخ کهنه از کتب اربعه خیلی کم داریم، با اینکه کتب یاد شده کثیرالاستفاده‌ترین کتب است و معلوم می‌شود که اجانب برای محو آثار شیعه، از اصول شروع کرده‌اند.

من عرض می‌کنم؛ از شواهد صحت نظریه ایشان، یکی دیگر این است که کتاب مفصلی از «محمد ابن علی ابن بابویه قمی» معروف به صدوق، به نام «مدینه العلم» قبل از عصر علامه مجلسی از بین رفته و همچنین کتاب مخلاة شیخ بهائی از ایران به مصر برده شده و نسخه‌ای سرتاسر غلط و تحریف از آن، در مصر بچاپ رسیده و اصل نسخه معلوم نیست که در کجاست و از این نمونه بسیار است.

شخصی که همکاری نزدیک با کتابخانه ایشان داشته و مورد مرحمت ایشان بوده، نقل می‌کند که روزی در تهران، نسخه‌ای از نهج‌البلاغه به دستم

رسید که سال کتابت آن ۴۶۹ بود. او می‌گفت؛ من وصف این نسخه را در یکی از آثار مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی، مؤلف الذریعه، دیده بودم که او نیز از ملا عبدالله اصفهانی و از کتاب ریاض العلماء، نقل کرده بود که از کتب مورد تملک او بوده است. او می‌گوید: وقتی که این کتاب را خریداری کردم، باورم نمی‌شد که کتابی با این اهمیت که ملا عبدالله اصفهانی (شاگرد و کارشناس فنی علامه مجلسی) از آن نام می‌برده، همان است که اکنون با سلامت و صحت به دست من رسید، او می‌گوید برای سرور خاطر آن سید بزرگوار، از تهران به وسیله تلفن مژده کتاب را به ایشان دادم ولی ایشان چندان بی‌تاب شده بود که در عرض ۲۴ ساعت بارها به وسیله‌های ممکن، به خانه پدرم پیغام فرستاده بود. و وقتی که کتاب را به ایشان تحویل دادم، کتاب را بوسید و از شوق گریست و بلافاصله با مهر کتابخانه مهور ساخت. و هم او می‌گوید؛ روزی چند به علت مسافرت و کثرت اشتغال به خدمت ایشان نرسیده بودم. روزی از روزهای بسیار گرم تابستان قم، وارد منزل پدرم شدم. پدرم با رؤیت من گفتند که آقا چند بار جوپای حال شما شده و فرمود هرگاه ایشان را دیدی بگو بیاید پیش من، و همین حالا برو پیش ایشان، عرض کردم الان ساعت ۳ بعد از ظهر و هوا بسیار گرم است، شاید ایشان در حال استراحت باشند، پدرم با لطافت پدران فرمود: امر ایشان تراخی بردار نیست. همین الان برو! من در آن بعد از ظهر مرداد تفتیده قم ساعت ۳ و ربع، درب منزل حضرت

آیه‌الله را زدم. خادم ایشان با تعجب از کارم سؤال کرد. عرض کردم حضرت آیه‌الله امر فرمودند خدمتشان برسم، اگر بیدار هستند سؤال کنید، هرگاه که لازم باشد شرفیاب شوم. ایشان پس از مراجعه به داخل، بلافاصله بنده را به اندرون راهنمایی کردند. حضرت آیه‌الله در اطافی نشسته و ظرف آبی با یک طشت کوچک، جهت وضو در مقابلشان بود، ایشان ابتدا از علت غیبت سؤال فرمودند، عرض حال گفتم. سپس فرمودند؛ من از شما دلواپس شدم که مبدا در دنبال کردن نسخ خطی سست شده باشید و خواستم به شما بگویم، هم اکنون مبلغ نه میلیون تومان از بابت کتاب بدهکارم و باز هم با جرأت فرض می‌کنم و کتاب می‌خرم و خداوند ادا خواهد فرمود.

قم، قبل از تأسیس کتابخانه

آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

قبل از تأسیس کتابخانه ایشان، در قم عمده‌ترین کتابخانه‌ها عبارت بودند از کتابخانه مدرسه فیضیه، کتابخانه مسجد اعظم و چند کتابخانه جزئی دیگر که مجموع آنها را اگر یک کتابخانه می‌کردند، باز هم با یک کتابخانه در خور شأن حوزه قابل مقایسه نبودند.

چون سخن بدینجا رسید، دوست دارم حکایت عبرت‌آمیزی را بیان کنم. در این حکایت، از کیفیت حیف و میل آثار گرانبهای خطی در نتیجه اهمال و نداشتن درد میراث فرهنگی معنوی باخبر می‌شویم.

مرحوم آیه‌الله سید مصطفی خوانساری (صفائی) از فضیلاتی معمرین حوزه علمیه قم بود. او کتابخانه بزرگی داشت و غالب روزگار خود را در کتب خطی سپری کرده بود، و خود، خبره و اهل تشخیص بود. روزی در منزل شخصی او را دیدم در حالی که نسخه خطی بسیار نفیسی را ملاحظه می‌کرد که آن کتاب در سال ۶۱ از تهران خریداری شده بود. ایشان بعد از دقت در جوانب کتاب یاد شده، کتاب را بسته و داستانی را شروع کرد:

ایشان فرمودند: قبل از دهه چهل شخص معروفی از تهران، محموله هنگفتی از کتب خطی نفیس، به قم حمل کرده و به یکی از مراجع وقت اهدا کرد و آن مرجع (رض) همه آن کتابها را به نجف ارسال نمود و این کتاب که اکنون اینجاست، جزو آن مجموعه بود!

من عرض می‌کنم، از اینکه یکی از کتب آن مجموع به عنوان شاهد، از راه عتبات به ایران مراجعت کرده، حال بقیه هم معلوم است. و در تحلیل این واقعه می‌توان، اهمال و عدم دقت و دست‌کم گرفتن حوزه علمیه قم را که نزد بعضی از مجاورین نجف اشرف معمول بوده و ریشه در مسائلی دارد که جای گفتنش نیست، جزء عوامل اصلی بحساب آورد، و من بدلیل پاره‌ای از ملاحظات از ذکر آنها خودداری می‌کنم.

مشخصات کتب ارزشمند خطی

چنان که در ضمن این گفتار وعده کردیم، مشخصاتی از ارزش کتاب خطی را ذیلاً

بیان می‌کنیم؛ عامه مردم تصور می‌کنند که هر کتابی که با دست خط نوشته شده باشد، ارزش فراوانی پیدا می‌کند. ولی این تصور باطل است و ای بسا کتاب خطی که حتی ارزش چاپی خود را ندارد و آن کتاب خطی ارزش دارد که یکی از مشخصات ذیل یا چند تا و یا همه آنها را دارا باشد:

۱- قدمت: حداقل ۴۰۰ سال به بالا.

۲- موضوع: متن کتاب چاپ نشده و یا نادر باشد و موضوع نیز جالب باشد.

۳- اعتبار: صحت نسخه، با مقابله یکی از علمای معروف، یا خط و یا صحه مؤلف به اثبات رسیده باشد.

۴- بعد هنری: از خط خوش‌نویس معروف (ونه هر خط خوش یا تذهیب استادانه و نقاشی) متن (مینیاتور) برخوردار باشد.

در کنار مجموع هنرها، مزایای دیگری از قبیل جلد و کاغذ و نظافت و سلامت نسخه، بر ارزش کتاب می‌افزاید.

یک مثال، برای فائده کتاب خطی

در پایان این گفتار، مثالی را برای روشن شدن امر که کتاب خطی بجای اینکه صرفاً یک میراث فرهنگی باشد، یک سند تعیین کننده است، می‌آوریم.

تفسیر مجمع‌البیان، تألیف طبرسی، در اصل همان تفسیر تبیان، شیخ طوسی است، و طبرسی با کمی کاستن و افزودن نام کتاب را از «تبیان» به «مجمع‌البیان» تغییر داده و خود، در مقدمه کتاب به این عمل تلویح و اشارت کرده ولی عامه مردم، تفسیر مجمع‌البیان را از آن «فضل

ابن حسن طبرسی» می‌دانند. حتی بسیاری از خواص علما، در این باره دچار اشتباه شده‌اند. مانند شیخ اجل، شهید اول در آنجا که درباره مجمع‌البیان می‌فرماید؛ آن کتابی است که مانند آن تصنیف نشده است. و حال آنکه این ثنای جمیل قهراً به تفسیر تبیان شیخ طوسی تعلق دارد نه به مجمع‌البیان مرحوم طبرسی.

اکنون اگر کسی سؤال کند که چه فرقی دارد؛ مؤلف مجمع‌البیان، طبرسی باشد یا طوسی، و یا اینکه نام این تفسیر موجود، تبیان باشد یا مجمع‌البیان؟ جواب می‌گوییم:

۱- بهتر، بلکه متعین و واجب این است که هر اثری به نام پدیدآورنده آن ثبت شود که این امر در اعتبار اثر به غایت مهم است.

۲- اینکه کتاب یاد شده دارای ابعاد مهم و فنون عدیده‌ای است که دعوی آن فنون از مرحوم طبرسی پذیرفته نیست. مثلاً ارکان این تفسیر عبارت است از لغت و فقه اللغة، قرائت، کلام، احادیث مرسله، در حالی که در ترجمه احوال طبرسی، بجز فن حدیث، فن دیگری به ایشان منتسب نبوده و استادی در موارد ذکر شده نداشته، ولی شیخ طوسی، از ائمه لغت و کلام و حدیث است.

بعد از همه این مطالب، ممکن است باز کسی بگوید؛ آنچه شما درباره شیخ طوسی می‌گویید، درست است ولی اگر تفسیر مجمع‌البیان، تصنیف شیخ طبرسی باشد، دلیل آن است که او نیز از ائمه لغت، ادب و کلام بوده و از کجا معلوم

است که تفسیر تبیان شیخ طوسی همان نسخه‌های موجود باشد؟ و شاید تفسیر تبیان شیخ طوسی که جزء مصنفات او یاد شده قبلاً از بین رفته باشد و کسی این نسخه تبیان را از روی تفسیر مجمع‌البیان پرداخته و به شیخ طوسی نسبت داده و آن ارجاعاتی که در متن تفسیر تبیان به سایر تألیفات شیخ داده شده، از حیل و مکر آن وراق پول‌پرست بوده، حالا جواب چیست؟ جواب، مشکل است، زیرا شهرت مجمع‌البیان، و نسخ آن بیش از شهرت تبیان و نسخ آن است.

برای فیصله این بحث، یک سند تاریخی لازم است که ثابت کند که تفسیر تبیان قبل از ولادت مرحوم طبرسی تصنیف شده و با نسخ فعلی تفسیر تبیان مطابقت دارد. و این سند از اتفاقات روزگار، از فضل الهی، در کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی، موجود است. نسخه تفسیر تبیان، نسخه اصل که در تاریخ ۴۵۵ در پشت کتاب شیخ به خط مبارک خود به فرزندش اجازه داده است. و این مثالی بود در نقش یک نسخه خطی، در سرنوشت ده قرن التباس.

و در پایان، واجب خود می‌دانم که نقش اساسی برادر عزیز فاضل ارجمند خیره کم‌نظیر حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی را یاد کنم که ایشان الحق چشم بینا و بازوی توانای مرحوم آیه‌الله مرعشی نجفی بودند و بدون ایشان، تشکیل این کتابخانه جداً متعذر بود.

خدایش جزای خیر دهد.